

نوشتن زمینی که
مرا بالا برد (چاپ
۱۳۹۹ سوره مهر)

۱۳۹۸

نوشتن وقتی سایه‌ها جان
می‌گیرند (چاپ ۱۳۹۷ نشر
ستاره‌ها) و بازیدار
(چاپ ۱۴۰۰ سوره مهر)

۱۳۹۶

ورود به روایت نویسی با
شرکت در کارگاه دو روزه
تاریخ شفاهی استاد
محمد قاسمی پور

۱۳۹۵

نوشتن رمان شهری
که خرم ماند
(چاپ در سال ۱۳۹۹)

۱۳۹۴

آغاز تدریس در دانشگاه
علمی-کاربردی

۱۳۹۲

تالیف پایان نامه
ارشد با موضوع
«بازیابی عناصر
داستانی در کتاب دا»

۱۳۸۸

ورود به مقطع کارشناسی
ارشد رشته زبان و ادبیات
فارسی دانشگاه آزاد
واحد تهران جنوب

۱۳۸۸

ورود به مقطع
کارشناسی رشته زبان و
ادبیات فارسی دانشگاه
آزاد اسلامی مشهد

۱۳۸۶

یاد گرفتیم!



قدرت بازیگری

ما همیشه جنگ را از دیدگاه ایرانی‌ها دیده و خوانده بودیم و حالا مواجهه با روایت کسی که از جبهه مقابل با ما صحبت می‌کرد، برای مخاطبان می‌توانست جذاب باشد. راوی بازیدار، شخصیت ویژه‌ای دارد و ماجراجوست. خط زندگی‌اش هم این طور رقم خورده که اتفاقات مهمی را پشت سر بگذارد. آدمی است که در لحظه می‌تواند به راحتی مشکلات را مدیریت کرده و راه حل ارائه کند و در جنگ هم این توانایی، چند بار جان‌اش را نجات داده است. در ظاهر یک آشپز بوده اما خیلی بیشتر از آن در موقعیت‌هایش نقش ایفا می‌کرده است. نام کتاب هم نشان می‌دهد که راوی در لحظه‌های مختلف می‌توانسته با بازیگری کارش را پیش ببرد.

مهمانان عراقی در مشهد

کتاب «بازیدار» زودتر از کتاب «زمینی که مرا بالا برد» نوشته شد اما دیرتر به چاپ رسید. برای گفت‌وگو با آقای سیدرسول موسوی (راوی کتاب زمینی که مرا بالا برد) به عراق نفتم. یک سفر به بیرجند رفتم و مصاحبه‌های تکمیلی‌اش را هم در تهران گرفتم. اتفاقاً وقتی آقای موسوی به تهران می‌آمد، مورد سوء قصد قرار گرفت و اموال و چمدانش را در مرز ایران و عراق دزدیدند! راوی‌های دو کتابم به منزلمان در مشهد رفت و آمد دارند و ارتباطمان بسیار صمیمانه شده است.

آموزش عربی به سربازان آمریکایی

سال ۱۳۹۱ که برای زیارت به عراق رفته بودم، عربی بلد نبودم. آنجا انگیزه پیدا کردم و احساس کردم لازم است عربی را با لهجه عراقی یاد بگیرم. بعد از سفر بلافاصله شروع کردم به یادگیری این لهجه. مثل الان کتاب‌های مختلف و منابع، وجود نداشت. اولین چیزی که برای یادگیری پیدا کردم، کتاب‌های سازمان حج و زیارت برای مدیران کاروان‌های زیارتی بود. آن کتاب رایک ماهه یاد گرفتم اما کافی نبود. دوباره تلاش کردم تا منابع دیگری را پیدا کنم. فایل‌هایی را پیدا کردم که برای آموزش زبان عراقی به سربازان آمریکایی بود و چون به انگلیسی بود، خیلی کم‌کم کرد چون توسط عراقی‌ها تهیه شده بود. به مرور با دو نفر از همسایگانم که عراقی بودند، دوست شدم. با هم صحبت می‌کردیم و در فیس‌بوک هم نظراتی که عراقی‌ها زیر مطالبشان می‌نوشتند را می‌خواندم تا تمرین کنم. همه اینها باعث شد به حد قابل قبولی برسم.

آگاهی‌های دقیق و وسیع

«استاد قاسمی پور» یک استاد باسواد، دلسوز، آگاه و در یک کلمه معلم به تمام معناست و لازم است از وجودشان برای تربیت نویسندگانی زبده و کارآمد تاریخ شفاهی نهایت استفاده شود. کمتر کسی است که به اندازه ایشان تسلط به حوزه روایت‌نویسی و کتاب‌های آن داشته یا در مورد دوران قبل از انقلاب یا جنگ تحمیلی و اشخاص و وقایع و مکان‌ها آگاهی‌های دقیق و وسیع داشته باشد. در حقیقت، هم در زمینه آموزش مستندنگاری استاد مجربی به شمار می‌رود و هم کارشناس متبحری در این حوزه است.

هتلی در کربلا

اسفندماه بود که برای تحقیقات اولیه کتاب «بازیدار» به عراق رفتم و خرداد سال بعد، گفت‌وگو با آقای موسوی را در هتل شان در کربلا شروع کردم. حدود ۲۳ روز آنجا بودم و روزی چندین ساعت صحبت می‌کردیم. البته سرشان شلوغ بود و لابه‌لای گفت‌وگو، کارهایی برایشان پیش می‌آمد. نکته بارز این بود که جذاب و رنگی و با جزئیات، خاطراتشان را تعریف می‌کردند. شانس من بود که در اولین پروژه مصاحبه‌ام، با یک راوی خوش صحبت روبه‌رو بودم. از طرف دیگر، با شخصی مواجه بودم که در کل کربلا به او اعتماد داشتند و می‌شد به گفته‌هایش به طور کامل اطمینان کرد.



سه چهره‌ای
که در زندگی‌ام
تاثیرگذار بوده‌اند

عنصر زبان

چون تدوین کتاب از زمان گرفتن مصاحبه‌ها شروع می‌شود، تصمیم گرفتم با سیدعباس موسوی و با همان فارسی دست و پا شکسته‌ای که دارد، صحبت کنم.

یکی از مهم‌ترین عناصر کتاب، عنصر زبان بود. فکر می‌کردم اگر مصاحبه‌ها را به عربی بگیرم و بعداً ترجمه کنم، روح کار از بین می‌رود. من متوجه منظورش می‌شدم و به خاطر اصالت دیالوگ‌ها، این کار را کردم.

وقتی کتاب را بخوانید، متوجه می‌شوید با یک راوی عرب‌زبان روبه‌رو هستید. گفت‌وگوهای آقا سیدرسول موسوی را هم به فارسی گرفتیم اما برای این که اصالت زبان در کتاب «زمینی که مرا بالا برد» حفظ شود، دیالوگ‌ها را با سه لهجه فصیح، خوزستانی و بغدادی نوشتم. چون می‌خواستم تجربه متفاوتی داشته باشم، این کار را در «بازیدار» انجام ندادم.



برای دیدن
عکس‌های بیشتر
کد را اسکن کنید



دریادل
۱۳۹۸
نشر ستاره‌ها



بازیدار
۱۴۰۰
انتشارات سوره مهر



زمینی که مرا بالا
برد
۱۳۹۹
انتشارات سوره مهر



شهری که خرم
ماند
۱۳۹۹
موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس